

# نوزایی شهری به مثابه بازتولید سنت در شهر با رویکرد ایجاد سازمان

## فضایی نوین در شهر اسلامی نمونه موردی: بافت تاریخی شیراز

نسترن نژداغی

دانشجوی دکترای شهرسازی اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز و کارشناس برنامه ریزی شهری سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری شیراز،  
najdaghi@ut.ac.ir

### چکیده

آنچه در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است چگونگی تبیین فرآیندی است که بتوان در چارچوب آن با استفاده از ویژگی های مثبت و ابزار کارآمد سنت و تجدد به آفرینش مکان در شهر دست یازید. بدین منظور در ابتدا مفهوم نوزایی شهری و ابعاد و مولفه های آن بررسی شده و پس از آن به تشریح چگونگی تولید مکان مطلوب و مورد انتظار در شهر از منظر نظریه پردازان معاصر موضوع پرداخته شده است. در ادامه با هدف تشخیص اینکه در فرآیند آفرینش این مکان، چه چیز سنت است و در مقابل امر مدرن چیست، دیدگاه های متفاوت فیلسوفان معاصر در باب مقوله ی سنت و تجدد تبیین گردیده اند. در نهایت با هدف تدوین راهکار و در پاسخ به این پرسش ها که در این فرآیند چه چیز باید حفظ شود، کدام شاخصه ها در مقام تمثیل ارائه شوند، چه جوانبی باید حذف شوند و تجلی روح زمانه در کالبد خواهد بود یا کارکرد؟، با تأسی از نظریه ای بینابینی، مولفه های بازآفرینی فضاها در شهر با رویکرد نوزایی شهری تدوین گردیده است. همچنین به منظور مطابقت موضوع با مصداق های عینی، اقدامات صورت گرفته در پهنه بافت تاریخی شهر شیراز بعنوان نمونه موردی تحلیل و ارزیابی گردیده است. در پژوهش حاضر فرض بر این بوده است که «در فرآیند خلق مکان مطلوب در محدوده های بافت با هویت شهری که وارث سنت است و مواجه با ابزار کارآمد مدرن، تنها در صورتی این فرآیند مقبولیت عام می یابد که واجد تلفیقی از جنبه های مثبت هر دو رویکرد باشد.» این تحقیق از نوع بنیادی و توصیفی است و روش مورد استفاده در آن روش کیفی است. همچنین به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش از منابع اسنادی و کتابخانه ای و برداشت میدانی استفاده شده است.

کلید واژگان :

نوزایی شهری - سنت - تجدد - فضا - مکان

### مقدمه

مجموعه اقداماتی که طی دهه های اخیر با هدف نوسازی و بهسازی بافت های تاریخی، فرسوده و هویت بخش شهرها در ایران صورت گرفته اند عمدتاً در قالب بازسازی های موضعی اجرا شده است و در کلیه موارد احیای بافت بدون در نظر گرفتن مولفه های اجتماعی تحقق پذیرفته است. از این رو لزوم مطالعه در شیوه های کارآمد و به روز دنیا با در نظر گرفتن نیازهای درونی بافت های هدف، رخ می نماید که بایستی در فرآیند احیای بافت های تاریخی شهرها ملاک عمل قرار بگیرند. از جمله این اقدامات، نوزایی شهری با هدف بازآفرینی شهری است که حاصل آفرینش «مکان» های مطلوب برای شهروندان و مخاطبان فضاها شهری خواهد بود. در طی این فرآیند آنچه اهمیت دارد تلفیق دیدگاه های اندیشمندان علوم برنامه ریزی شهری و روانشناسی محیطی با خواسته های مخاطبان فضاها شهری است با هدف خلق فضاها شهری سرزنده و پویا و واجد هویت که در تحقیق حاضر سعی بر این بوده است که این مهم محقق گردد.

بعقیده مامفورد در پانزدهمین سالگرد «سبک بین الملل»، «ما در عمیق ترین بحرانی هستیم که بشر تا کنون شاهد آن بوده است. شاید آنچه که برای ما باقی مانده است دیگر ارزش نجات دادن را نداشته باشد.» اما تعابیری مشابه نظیر: شکست شهرسازی جدید، مرگ شهرهای جدید و یا به بن بست رسیدن نهضت جدید، در صورتی که واقعیت داشتند، هر روز در

گوشه و کنار دنیا شاهد پیاده شدن افکار و عقاید «جدید» شهرسازی نمی بودیم. در پی تکامل مفهوم بازآفرینی شهری، فرآیند نوزایی شهری رویکردی متاخر است که صحنه ظهور و التقاط امر مدرن با پیش زمینه های سنتی است که بستر این آفرینش همان محدوده های بافت تاریخی و هویت بخش شهرهای امروزی هستند. با توجه به تفاوت میان واژه های مرتبط با مدرنیته و مدرنیسم بایستی در ابتدا این تعاریف تبیین شوند و سپس مشخص گردد که در فرآیند نوزایی کدام یک مد نظر است. «مدرنیسم» در معنای کلی به معنی نوسازی، پیشرفت و توسعه است. نوعی ایدئولوژی است که در پی جایگزین کردن نو به جای کهنه است. و نو و مدرن را برتر از کهنه می داند. مدرنیسم اعراض و نمود بیرونی تفکر مدرن است. (جابری مقدم، ۱۳۸۴، ۲۵) به بیانی دقیق تر مدرنیسم شکل بیرونی مدرنیته و مدرنیته هویت و روح مدرنیسم است. در ترجمه فارسی مدرنیته از واژه هایی چون تجدد، نو اندیشی، امروزی و... استفاده می شود و مدرنیسم را به تجددگرایی، نوگرایی و نوسازی ترجمه کرده اند.

تجددگرایی در مقابل سنت است؛ متضمن همه امور صرفاً بشری است، و اکنون بیش از هر زمان دیگری و به نحوی روز افزون در بردارنده امور مادون شأن و مرتبه انسان و همه آنچه که از منبع الهی جدا شده و دور افتاده است. آشکار است که سنت همواره ملازم و همراه حیات انسان و در واقع وجه ممیزه ی آن بوده است، و حال آنکه تجددگرایی پدیده بسیار متاخری است. (نصر، ۱۳۸۷: ۱۶۸-۱۶۹) با این توصیف می توان ابراز نمود که امر مدرن در ادبیات مرتبط با فرآیند نوزایی شهری به اعتبار مقابله با سنت، معنایی عام دارد و شامل آنچیزی است که امروزه واجد مولفه نوبودن است، اما به اعتبار ماهیت اقداماتی که امروزه در کشور ما در قالب مداخله در بافت های شهری و بالاخص بافتهای تاریخی، ناکارآمد و مساله دار شهری، که برآمده از رویکردهای دوران منسوب به مدرنیسم غرب است، از این مفهوم تعبیر مدرنیسم می گردد. لذا در برداشتی دارای ایهام، واژه نوگرایی در مقابل سنت، انتخاب گردیده است. بدین ترتیب آنچه در فرآیند نوزایی شهری بایستی مورد مطالعه و برنامه ریزی قرار گیرد تبیین مولفه های نو و سنتی فضاهای شهری است که در طیف گسترده ای از کالبد تا عملکرد مکان - به مفهوم فضای ارتقا یافته - دسته بندی و در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با هدف تبیین مولفه های مطلوبیت مکان در فرآیند نوزایی شهری و همچنین تدوین فرآیند مداخله در بافت های تاریخی شهری با هدف تعیین گستره ی تاثیرگذاری سنت و نوگرایی، صورت پذیرفته است. بدین منظور با درک و دریافت تعبیر اندیشمندان در باب شناخت مکان، تحلیل تبعات نوگرایی و سنت گرایی و پی جویی راهکارهای بینابینی و در نهایت تلفیق با ساختار نوزایی شهری در پژوهش حاضر سعی بر این بوده است تا بتوان با مرور مبانی نظری موضوع مداخله در بافت تاریخی و مساله دار شهرها، مداخلات صورت گرفته در بافت تاریخی شهر شیراز بررسی و تحلیل گردند.

**فرآیند انجام پژوهش:** در پی معرفی کلیات پژوهش، به منظور شناخت و تعمق در پایه های نظری مفهوم «نوزایی شهری»، ادبیات نظری این مقوله مورد مطالعه قرار گرفته است؛ در مرحله بعد با مرور مولفه ها و خصوصیات «مکان» از دیدگاه چهار نظریه پرداز معاصر، با هدف اینکه در این فرآیند خلق مکان مطلوب در طی نوزایی شهری، پاسخ پرسش های اساسی پژوهش تحلیل گردیده اند و در نهایت راهکارهای مداخله در بافت های تاریخی، فرسوده و با هویت شهر، تدوین گردیده است.

## مبانی نظری؛ تبیین مفهوم بازآفرینی شهری

امروزه شاید بتوان گفت که مصطلح ترین واژه ای که بار معنایی آن، بیانگر جریان پایای «مرمت و حفاظت شهری» است، همان «بازآفرینی» می باشد و در کنار تاویلی که برای مفهوم «نوزایی» در شهرهایی مثل لندن وجود داشته است، «بازآفرینی» است که هنوز بار انجام وظایف مرمت کالبدی - محتوایی شهر را به دوش می کشد. طبق آخرین تعاریفی که برای «بازآفرینی شهری» در منابع انگلیسی مطرح شده است، بازآفرینی به معنای فعالیتی است که منجر به حل مشکلات «محدوده

های رو به زوال» شهرها می شود. (REDSPT, ۲۰۰۵) «بازآفرینی» هرگونه حرکتی را در راه مبارزه با کهنگی و ناکارآمدی<sup>۱</sup> شهرها شامل می شود و تلاشی است برای بهبود شرایط اجتماعی و محیطی؛ در این راه، هر اقدامی در راستای توسعه، توسعه مجدد و ارتقاء می تواند مطرح باشد. (Hull City Plan, ۲۰۰۰) با توجه به ماهیت و فراگیر بودن مفهوم «بازآفرینی»، ترجمان «حفاظت و بازآفرینی شهری»، بازتاب درستی از محتوای فرآیند «مرمت و حفاظت شهری» معاصر ارائه می دهد. «بازآفرینی» به مثابه فرآیندی تعاملی، یکپارچه و فراگیر، مجموعه فرآیندهای پیش از خود را در بر گرفته و افزار نیرومندی را در مواجهه با شهر به دست می دهد.

جدول شماره ۱: واژگان پایه ای «مرمت و حفاظت شهری»

«مرمت و حفاظت شهری معاصر» یا «حفاظت و بازآفرینی شهری»		
Urban Conservation and Regeneration		
بازآفرینی - نوزایی Renaissance-Regeneration	نوسازی Urban Renewal (Renovation)	بازسازی Urban Reconstruction
Improvement	Revitalization	Demolition
بهسازی	تجدید حیات	تخریب
Preservation	Rehabilitation	Clearance
حفاظت - مراقبت	توانبخشی	پاکسازی
Restoration	Redevelopment	Rebuilding
احیاء	توسعه مجدد	دوباره سازی
Maintenance		
نگهداری		
Integration		
معرفی-یکپارچه سازی		
Repair		
تعمیر		
Refurbishment		
بازپیرایی		
Adaptation		
تطبیق		
Recycling		
بازیافت		
Protection		
حمایت		

ماخذ: لطفی، ۱۳۹۰: ۲۴۰

## باز تعریف مفهوم میراث

«میراث» در مفهوم مدرن خود، عدم قطعیت، احساسات و عرق به موطن را به هم می آمیزد. (Saint, ۲۰۰۱) هرچند که «میراث» تا حدود بسیاری نمایانگر جزئیات تاریخی است، اما تاریخ نیست. تاریخ به دنبال کشف حقایق و احتراز از لغزش هاست، اما میثا اغراق می کند، حذف می نماید، داوطلبانه دست به ابداع می زند، صادقانه بعضی چیزها را به فراموشی می سپارد و کار خود را با اشتباه و بی توجهی به برخی حقایق پیش می برد. (Markus and Cameron, ۲۰۰۲) به نوعی باید گفت که در برداشت امروزی، «میراث» عاملی است برای پیشبرد بسیاری از هدف های مرتبط با عصر «جهانی شدن». بنابراین آنچه در اسناد اخیر مرمت و حفاظت شهری آمد، میراث می تواند هر چیزی را که موجب احساس «هویت» برای مردمان می شود، در برگیرد (Krakow Charter, ۲۰۰۰) پس از صدور بیانیه پوایلا (OWHC, ۲۰۰۱)، هماهنگ نمودن تلاش ها در جهت «حفظ و اشاعه میراث شهری» و وارد نمودن سرفصل های مربوط به «مرمت و حفاظت شهری» در متن برنامه های توسعه ای، به صراحت مورد تاکید قرار می گیرد. (UNESCO, ۲۰۰۱)

<sup>۱</sup> Obsolescence

## واژگان «مرمت و حفاظت شهری» و ملاحظات نوین اقتصادی-اجتماعی

مسئول دانستن تمام شهروندان و عموم مردم در حفظ میراث مشترک شهری و لزوم فراهم آوردن حمایت و پشتیبانی های انسانی، علمی، مالی و فناوری، نمایانگر برون رفت جدی از مرحله اختصاصی و تک بعدی بودن «مرمت و حفاظت» و معرفی یک جریان دائمی و فعال «مرمت»، «حفاظت» و «بازآفرینی شهری» است. توجه به تنوع فرهنگی و لزوم ایجاد تبادلات و تعاملات فرهنگی در اکثر اسناد «مرمت و حفاظت شهری» مورد تاکید قرار گرفته است. (UNESCO, 2001) واژه هایی چون «تشخیص (یا شناخت)»<sup>۲</sup>، «حفظ و حراست»<sup>۳</sup>، «بهبود و ارتقاء»<sup>۴</sup>، اشاعه و انتشار<sup>۵</sup>، «میراث انسان ساخت و طبیعی» به کار گرفته شده و تداوم و بهبود «کیفیت زندگی»<sup>۶</sup> از طریق «مرمت و حفاظت» شهرها و محله ها مدنظر بوده است. از جمله مفاهیم مرتبط با امر بازآفرینی شهری، «مشارکت»، «مدیریت»، «آموزش»، «تخصیص منابع» در قوانین، اسناد و دستورالعمل های شهرسازی و «مرمت و حفاظت شهری» به ویژه از آغاز قرن بیست و یکم، می باشد. (McCarthy, 2007)

### گذار از «بازآفرینی شهری» به «نوزایی شهری»

یکی از مهم ترین واژه هایی که در طی سالیان گذشته به نوعی ابداع شده، واژه «نوزایی شهری»<sup>۷</sup> است. مفهوم نوزایی میتواند ابعادی بسیار گسترده تر از روایت های پیشین «مرمت و حفاظت شهری» داشته باشد. زمانی که مفهوم فرسودگی فراتر از فرسودگی کالبد و فعالیت به معنای عام آن رود و فرسودگی انسان ها، نامنی، آلودگی، ناآگاهی، عدم مشارکت عمومی، ناپایداری اجتماعی و زیست محیطی، تغییر در ساز و کارهای اقتصادی، ورشکستگی، محو صنایع، ایجاد خلاء و کمبودهای ناشی از این امر و بسیاری موارد دیگر، در زمره عوامل فرساینده شهر به شمار می روند، آنگاه واژه «نوزایی شهری» بسیار معنادار می شود. (Urban Task Force, 2005: 10-11) «نوزایی شهری» با مرحله ای از «جهش شهر» به سوی مرتبه [یا «زمانه»<sup>۸</sup>] ای دیگر همراه گردیده و گویی قرار است «شهری دیگر» از دل «شهر قدیم» زاده شود. بنا به تعریفی که «موسسه نوزایی شهری»<sup>۸</sup> ارائه کرده است، ایجاد مناطق شهری «مولد» و «پایدار»، تنوع بخشیدن به کاربری های شهری، مطالعه پیچیدگی های شهری، اجزا و ابعاد گوناگون آن، ارائه سیاست گذاری های دقیق برای «مرمت و حفاظت و توسعه شهری»، از جمله ثروت اجتماعی و ایجاد محیط مصنوع و اجتماعات شهری سالم و پویا به همراه همه آنچه بعنوان سیر متداول «مرمت و حفاظت شهری» سراغ داریم، بنیان های حرکت «نوزایی شهری» را تشکیل می دهد. (Urban Renaissance, 2005)

### تبیین مفهوم «مکان» به مثابه «فضای ارتقا یافته در شهر

فضای شهری، مکان واقعی جریان زندگی است که در آن تاریخ شهر حی و حاضر است و خود را بعنوان مدلول به دالی رجوع میدهد که در تاریخ شهر جای دارد. هم از این سبب است که در مکان، رویدادهای متفاوتی صورت می پذیرد. هر رویدادی بنا به لحظه وقوع آن، مهر و نشان خود را بر مکان می زند. صحنه ای متفاوت با صحنه های پیشین. صحنه هایی که بر روی هم می نشینند و تصور شهروند از مکان و شهر را می سازند. شهر نمادی است از مادیت یافتن فرهنگ و تفاوت های شهری در زمان، در مکان و در فضا. شهر مکان اندیشه آنانی است که در آن زندگی می کنند و از همین سبب است که خود را بر اندیشه مکان هایش بنا می کند. (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۴۵-۱۴۸)

<sup>۲</sup> Recognition

<sup>۳</sup> Conservation

<sup>۴</sup> Enhancement

<sup>۵</sup> Propagation

<sup>۶</sup> Quality of Life

<sup>۷</sup> Urban Renaissance

<sup>۸</sup> Urban Renaissance Institute

شهر از سوی ساکنانش تنها به وسیله سیمای کالبدی آن درک نمی شود ، شهر در اغلب موارد بوسیله معنای نشانه هایش درک می شود، نشانه هایی که همیشه مادی نیستند. شهر و فضاهایش به سان راوی ، خود را در روابطی چند سویه با شهروند و بازدیدکننده از شهر می گذارند ، در حالی که اینان متأثر از حال و هوای تولید شده از طریق مکان ، به روابطی غیرارادی و تعاملی دامن می زنند، روابطی از یک سو بین خودشان و از دیگر سو با فضا و مکانی که آنان را در بر می گیرد. بدین ترتیب است که گفت و گوی شهری امکان وقوع می یابد، گفت و گویی بین آدمی و فضا ، بین آدمی و مکان ، بین آدمی و زمان ، بین آدمی و رمز و راز شهری. فضای شهری مکانی می شود برای تکوین قصه های جدید شهر. همه داستان های کهن به حال در می آیند و با رویدادهای جدید ، بیش و کم اتفاقی و اغلب خود انگیخته پیوند می خورند. ( همان ، ۱۵۱-۱۵۲) از این رو در فرآیند دگرگونی تبدیل فضا به مکان در شهر علاوه بر کالبد و عملکرد ، مولفه دیگری هم تاثیر گذار است که در ادامه به بررسی دیدگاههای نظریه پردازانی پرداخته شده است که به تبیین این مولفه سوم پرداخته اند.

### بررسی نظریات مربوط به مکان

در این مقاله به منظور تبیین مفهوم «مکان» به عنوان «فضا»ی ارتقا یافته و مولفه ها و نحوه خلق آن ، به بررسی نظریات چهار نظریه پرداز برجسته ی معاصر پرداخته شده است. این نظریات شامل تشریح مکان و بی مکانی ادوارد رلف ، تدوین مدلی برای مولفه های مکان دیوید کانتر ، بررسی رابطه رفتار اجتماعی و محیط در قالب تشریح نقش مکان ایروین آلتمن و نهایتاً نظریه مکان راجر ترانسیک می باشد.

با تکیه بر فلسفه پدیدار شناسی ، ادوارد رلف در سال ۱۹۷۶ در قالب تالیف کتاب «مکان و بی مکانی» به ابعاد روان شناختی و تجربی «حس مکان» می پردازد. رلف در تعریف مکان تاکید می کند که مکان ها بر خلاف فضا ، انتزاعی نبوده ، بلکه پدیده هایی هستند که به طور مستقیم از جهان تجربه می شوند ، بنابراین سرشار از معانی ، چیزهای واقعی و فعالیت های جاری در آن هستند. مکان ها منابع مهم شناسایی اشخاص و اجتماع ها بوده ، اغلب کانون اصلی شکل گیری روابط عمیق احساسی و فیزیکی میان انسان ها را شکل می دهند. (۱۲۰: ۲۰۰۶ ، Larice) در نهایت از تعریف رلف می توان چنین نتیجه گرفت که یک مکان واقعی ، فضایی است که تحت الشعاع معنای آن قرار گیرد : «مکان = فضا + معنا» .

دیوید کانتر کتابی با عنوان «روانشناسی مکان» را در سال ۱۹۷۷ ، به رشته تحریر درآورده است. او اعتقاد دارد میان انسان و محیطش، رابطه ای دوسویه برقرار است . یعنی از یک سو فرد همواره محیطش را بر پایه ی دیدگاه و دانش ذهنی خود ارزیابی می کند و از دیگر سو خود این محیط ، شکل دهنده ی پایه های ذهنی اوست. (۱۰۶: ۱۹۷۷ ، Canter) او هدف طراحی محیط را «آفرینش مکان» می داند. به باور او ما نمی توانیم مکانی را کاملاً بشناسیم یا بیافرینیم مگر هنگامی که بدانیم : ۱- انتظار چه رفتاری را در آن مکان داریم ؛ ۲- ویژگی های فیزیکی آن محیط باید چگونه باشد ؛ ۳- تصورات یا ذهنیتی که مردم از آن رفتار در آن محیط فیزیکی دارند چگونه است . (پاکزاد ، ۱۳۸۹ : ۲۴۰) به عبارتی دیگر مدل کانتر برای «مکان» ، ویژگی های فیزیکی ، فعالیت ها و تصورات هستند.

ایروین آلتمن ، در قالب پژوهش های رفتار اجتماعی به بررسی رابطه ی دوسویه رفتار اجتماعی و محیط پرداخته است و در سال ۱۹۷۳ به تبیین نظریه «گسترش روابط» پرداخته است. (پاکزاد ، ۱۳۸۹ ، ۲۹۱) مفهوم مکان از دیدگاه او ، فضایی است که از راه فرآیندهای گروهی ، فردی و فرهنگی معنا می یابد و مکان ها اهمیت خود را برای افراد نگه می دارند ، زیرا انباره ی خاطرات شخصی سازی شده و عادات روزانه اند. او می گوید انسان از راه سه فرآیند به مکان پیوند می خورد : ۱- دل بستگی<sup>۹</sup> - ۲- هویت<sup>۱۰</sup> - ۳- آشنایی<sup>۱۱</sup> . (آلتمن ، ۱۳۸۲ : ۲۶۵) در تبیین این دیدگاه ، «هویت مکانی» و «دل بستگی / تعلق خاطر» به مکان

<sup>۹</sup> Attachment

<sup>۱۰</sup> Identity

عبارتند از نیروی گرانش موثر میان مردم و مکان که پیوندی احساسی است و متاثر از عاطفه و احساسات، دانش و باورها، رفتار و فعالیت در پیوند با مکان است.

راجر ترانسیک، در سال ۱۹۸۶ در کتاب کشف فضاهای گمشده، با موضوع نقد تاثیرات نوگرایی در معماری و شهرسازی و ارزش های فراموش شده ی فضاهای شهری سنتی، به تبیین نظریه مکان بعنوان یکی از سه رویکرد در طراحی فضای شهری (نظریه نقش-زمینه، نظریه اتصال و نظریه مکان) می پردازد. به گفته ی ترانسیک در نظریه مکان، ارزش های فرهنگی و اجتماعی، ادراک بصری مردم و همچنین کنترلی که فرد هنگام قرار گرفتن در محیط همگانی بر پیرامون خود دارد، به اندازه موازینی چون «محسوسیت» و «ارتباط» مهم هستند. (Trancik, ۱۹۸۶: ۹۷-۹۸) او در فرآیند «آفرینش مکان»<sup>۱۱</sup> هدف را کشف بهترین سازگاری میان زمینه فرهنگی و فیزیکی، با نیازها و خواسته های استفاده کنندگان برمی شمارد. (همان: ۱۱۵) او همچنین خلق مکان هایی منعطف که از نظر تاریخی و فیزیکی پویا هستند را تنها راهی می داند که احترام به مفاهیمی چون «زمان» و «مکان» را از سوی طراحان برآورده می کند. (پاکزاد، ۱۳۸۹: ۵۲۱)

جدول شماره ۲: نظریات تبیین مفهوم مکان و مولفه های آن

عنوان کتاب	مولفه های مکان	زمینه پژوهشی	نظریه پرداز
مکان و بی مکانی	فضا + زمان	بررسی ابعاد روانشناختی حس مکان	ادوارد رلف
روانشناسی مکان	ویژگی های فیزیکی + فعالیت ها + تصورات	تشریح پیوند انسان با محیط	دیوید کانتر
نظریه رخنه گری / نفوذ اجتماعی؛ گسترش روابط	فضایی که برای مخاطب معنا می یابد	بررسی رابطه دو سویه رفتار اجتماعی و محیط	ایروین آلتمن
کشف فضاهای گمشده	مولفه های فرهنگی و اجتماعی + ادراک بصری + کنترل فرد بر محیط	نقد تاثیرات نوگرایی در معماری و شهرسازی	راجر ترانسیک

### تبیین مفهوم امر مدرن در مقابل سنت

طی تطور تاریخی مفاهیم مرتبط با بهسازی و نوسازی شهری تا بازآفرینی و نهایتاً نوزایی شهری، هدف، تبدیل فضاهای شهری با هویت تاریخی به «مکان»ی است که در خاطره مخاطب اش رسوب کرده و با پیدایی این همانی با گذشته مستتر در فضا و اشیاء متعلق به آن، عابران را دل بسته خود سازد. فضاهایی که خود هویت دارند اما هویت بخش به شهر نیستند. در این دگرگونی، ابزار، مدرن هستند، تفکر مدرن و اهداف را ذهن برنامه ریز معاصر تبیین خواهد کرد که محدوده دانش و تجربه اش متعلق به علم شهرسازی نوین است، اما تشخیص اینکه کدام یک از دو وجه کالبد یا عملکرد، اشیاء در فضا یا سطوح احاطه کننده و یا حتی قوانین حاکم بر روح فضا، باید نماینده سنت باقی بمانند و یا نو شوند، و یا اینکه کدام یک به اعتبار سنتی که هویت می بخشد بایستی حفظ شود و در مقابل کدام یک بایستی بعنوان سنتی کهنه و ناهنجار حذف شوند، کدام مولفه های نو و مدرن در فضا قرار گیرند و یا عملکرد فضا را تعریف کنند، کدام شاخصه های مدرن منقطع از گذشته و بی اعتنا به بستر در فضا قد علم کنند، همگی پرسش هایی است که ذهن برنامه ریز مدرن و معاصر باید پاسخگوی آن باشد.

بعقیده برمن با تأمل در تقابل پاریس و پترزبورگ در میانه قرن نوزدهم، تقابل قطبی بزرگتری در تاریخ جهانی مدرنیسم رخ می نماید. در یک قطب مدرنیسم ملل پیشرفته قرار دارند که جامعه خود را مستقیماً براساس مواد و مصالح مدرنیزاسیون «سیاسی و اقتصادی» بر پا میکنند و از دل واقعیتی مدرنیزه شده انرژی و آرمان های خویش را استخراج می کنند - کارخانه ها و راه آهن های مارکس، بلوارهای بودلر - هرچند که این انرژی و آرمانها در مواقعی همان واقعیت را به طرق ریشه ای به

<sup>۱۱</sup> Familiarity

<sup>۱۲</sup> To Create Place

چالش می کشند. در قطب مقابل مدرنیسمی را می یابیم که از دل عقب ماندگی و توسعه نیافتگی برمی خیزد. این نوع از مدرنیسم نخستین بار در روسیه و به دراماتیک ترین شکل در سن پترزبورگ، در قرن نوزدهم ظاهر گشت. در دوره معاصر نیز همراه با گسترش مدرنیزاسیون - البته عموماً مدرنیزاسیونی عقیم و تحریف شده، نظیر روسیه کهن - این نوع از مدرنیسم در سراسر جهان سوم گسترش یافته است. مدرنیسم مبتنی بر توسعه نیافتگی به ناچار باید جهان خود را برپایه خیالات و رویاهای مدرنیته بر پا سازد و خود را با تداخل و تقرب به سراپها و اشباح تغذیه کند. این مدرنیسم برای صادق ماندن نسبت به حیاتی که منشأ آن بوده است، به ناچار باید خشن و خام، شکل نایافته و آمیخته به جیغ و جنجال باشد. این نوع مدرنیسم علیه خود می شورد و خود را شکنجه می دهد چراکه قادر نیست یک تنه تاریخ را عوض کند. (برمن، ۱۳۸۶: ۲۸۲) مصادیق این نو شدن فضاهای شهری را جای جای کشور می توان مشاهده کرد. از تجربیات تخریب و بازسازی های مشهد و شیراز گرفته تا خیابان کشی های یزد و اصفهان و تبریز. اما همپا با تغییرات نگرش برنامه ریزان معاصر در نیا نسبت به شیوه مداخله در بافت های با هویت و مساله دار شهری، می بایستی با تکیه بر پتانسیل های فضاهای شهری، الگوهای بومی مداخله در بافت تدوین گردد. به منظور تبیین مفاهیم مرتبط با چیستی امر مدرن و سنت، در ادامه دیدگاه نظریه پردازان معاصر ایرانی در این باب بررسی گردیده است.

### دیدگاه های مختلف در باب تقابل سنت و مدرنیته؛ لحظه پیوند تجدد و سنت

به عقیده داوری اردکانی تاریخ ماده تامل و تفکر و کتاب عبرت است اما هیچ قومی نمی تواند راه طی شده که گذشتگان و پیشروان پیموده اند طی کند زیرا راه تاریخ با قدم روندگان گشوده و بنا می شود. این راهی نیست که یک بار برای همیشه گشوده شود و همه بتوانند آن را طی کنند. هر کس می خواهد این را بگشاید و در هر قدم موانع آن را بر طرف کند. ما اکنون طالب تجددیم و می خواهیم بدانیم که از چه راهی می توان به تجدد رسید و چه باید فراهم کرد. نباید راه تجدد را که به اشاره متفکران ابتدا در نظر آمده و کم کم گشوده شده است، با آنچه در راه پیدا شده است یکی دانست. راه تجدد راهی است که عین تجدد است. این راه رهرو مناسب خود را می طلبد و تا کسی مستعد رهروی نباشد نمی تواند وارد این راه شود و اگر وارد شود راه را پر آشوب می کند. (داوری اردکانی، ۱۳۹۱)

آیا برای متجدد شدن باید با سنت وداع کرد؟ آیا نمی توان هم متجدد بود و هم سنتی؟ مگر نه اینکه وقتی به راه هایی که غرب طی کرد تا به مدرنیته و صنعت دست یابد، آنها را درونی و جوهری یافتیم؛ نه چیزی اکتسابی و خارج از سنت های فکری و فرهنگی غرب. بنابراین پرسش این است که تجدد و سنت در چه لحظه ای، به هم می پیوندند و یکدیگر را کامل می کنند؟ داوری اشاره می کند که نسبت میان سنت و تجدد یک مسئله تاریخی است و فقط یک بحث نظری و عملی نیست، بلکه آن را با آزمایش تاریخی می توان درک کرد. چنین نگاهی به گذشته سنت و کاوش در ماهیت آن ما را از نگاه تک بعدی بری می سازد. مدعای چنین برداشتی، آگاهی از صنعتی شدن غرب برپایه ستون های سنت خود است. گام های مؤثر برای رسیدن به توسعه نه بر حذف سنت، که برپایه قبول وجوه مؤثر آن است. نگاه تک بعدی و حذفی به داشته های خود، نه تنها توسعه را دربر نخواهد داشت، که زنجیرهای وابستگی را برپای رشد و پویایی یک جامعه، می زند. (داوری اردکانی، ۱۳۸۴)

### در جستجوی فضاهای گمشده

آنچه امروز در پیرامون خود میبینیم در نتیجه همنشینی سنت و مدرنیته به تعبیر شایگان، «فضاهای» برخاسته از اعصار گوناگون هستند که به هم دهن کجی می کنند، گرد آورده و در موازیبیک های تصادفی بر روی هم و پهلو به پهلو هم چیده شده اند. فضاهای هندسی باهاوس در اندرون صدف بسته دنیای در خود فرو رفته به سرعت رخنه کرده اند و آثاری چندان شدید از خود برجای نهاده اند که اگر هم مقاومتی در برابرش انجام بگیرد، ناآگاهانه است. شهر جدید جای عجیب و غریبی است که در آن والاترین به پست ترین می پیوندند و بلندپایه به فرومایه همدوش می شود؛ جایی که شاعر در جستجوی فضاهای «گمشده» به

هرسو سرمی‌کشد، درست مانند پروست که چندی پس از او نیروی خاطره‌انگیز حافظهء ناآگاه خویش را به کار می‌گیرد تا مگر تکه-پاره‌های زندهء زمانهای در خاک فروخته را بازیابد. برآستی، آیا هر کشف زمان-مکان جای تلاقی یک احساس حاضر و یک خاطره نیست؟ «احساس توأمان حاضر و خاطره، همان رابطه‌ای را با زمان دارد که دستگاه ریزبین با فضا. این جفت-احساس، توهم برجستگی زمانی می‌آفریند.» (شایگان، ۱۳۷۲) اگر مجبور باشیم توالی تاریخی بناها را با مقیاس فضا عرضه کنیم، با توجه به اینکه «در یک واحد مکانی دو محتوای متفاوت نمی‌گنجد» ناچار باید اشیا را از لحاظ فضایی پهلو به پهلو هم قرار دهیم. روان، مانند فضای خیال می‌تواند آشتی‌ناپذیرها را بر هم منطبق سازد، مانعاً الجمع‌ها را در هم آمیزد، علیت را استعلا بخشد و ما را به فضاهای هرچه لطیفتر رهنمون شود. (همان)

در مقایسه فضاهای شهری پاریس قرن نوزده با صفت برجسته‌تمثل، با اصفهان صفوی فارغ از هرگونه تمثیل، چون فروریختن هاله در آن صورت نگرفته است، در می‌یابیم که سرتاسر فضای شهری در جو جادویی هاله غوطه می‌خورد. برخلاف تمثیل که الفبای فضای جدید است، در اینجا تجلی هاله تقدس است که از شهر آیینی‌ای جادویی می‌سازد. بنا به قول هانری استی ریلندر بررسی درخشانش راجع به اصفهان، «در اینجا همواره از یک فضای بسته یکسره به فضای بسته دیگر گذر می‌کنیم». (Stierlin, ۱۹۷۶ : ۵۶) به این معنا که آدمی همیشه در اندرون چیزی قرار دارد، حال این چیز می‌خواهد خیابان باشد که معمولاً پوشیده است، یا درون حیاط یک منزل، مدرسه، مسجد و یا داخل یک میدان. (همان) به این ترتیب در طراحی بافت شهری در ایران درست عکس بافت شهری در غرب است، در ایران فضاهای خالی (حیاط و میدانها) هستند که جزیره‌ها را می‌سازند و نه فضاهای پر ساختمانها. شاعری هم که به چنین فضایی شکل نمادین می‌بخشد تنها حافظ می‌تواند باشد، یعنی یک نظرباز اشراقی، نه بودلر.

## تبیین راهکاری بینابینی؛ کولاژ شهری

به باور کالین رو اندیشه نوگرایی با همه ی حسن نیت و هدف های عالی که سردمداران آن در سر می‌پروراندند، یا روی کاغذ ماند و یا به صورت موجودی ناقص الخلقه زاده شد. (Rowe, Fred, ۱۹۹۷:۸) او یکی از مهم ترین تناقض های معماری نوگرا را در باور همزمان به «علم» و «آزادی» می‌داند. (پاکزاد، ۱۳۸۹ : ۳۲۱)

او در پی یافتن راهی برای چالش های رویکرد مدرن گرا به معماری و شهرسازی با تالیف کتاب کولاژ شهری می‌کوشد پیشنهادی ارائه دهد برای توهم زدایی خلاق و همچنین دعوتی برای به رسمیت شناختن همزمان نظم و بی‌نظمی، سادگی و پیچیدگی، ارجاع های همیشگی و رویدادهای تصادفی، خصوصی و عمومی، پذیرش نوسازی و احترام به سنت، دیدن پشت سر و نگاه کردن به جلو. به باور کالین رو مسائلی که از معماری نوگرای نخستین به ارث رسیده است، شهری تخیلی برای «رستگاری» است که انشاء پردازی شده، اما متأسفانه به مانند نسخه ای تجویزی، در متناقض ترین و بی‌ارزش ترین شکل، میان معماران نهادینه شده است. او می‌نویسد: «ما انسانها عادت کرده ایم به کسانی که در پی زنده کردن صحنه های خاطره انگیز هستند، برچسب محافظه کار و واپس گرا بزنیم و نیز هر کس را که در جستجوی آفرینش صحنه های پیش بینی کننده است بنیادگرا بپنداریم.» او باور دارد اگر ساختمانی بتواند به گذشته اشاره کند، می‌تواند همزمان به آینده نیز اشاره داشته باشد؛ به دیگر سخن می‌تواند صحنه ای پیش بینی کننده نیز داشته باشد. (پاکزاد، ۱۳۸۹ : ۳۴۳) در شهر سنتی، فضاهای شهری «نقش» و توده ساختمانها، «زمینه» را تشکیل می‌دادند؛ در صورتی که در طرح های نوگرایانه، ساختمانها تبدیل به «نقش» شده اند و فضای بیکران و تعریف نشده، «زمینه» را تشکیل می‌دهد. از این رو نمای ساختمانها همچون یک رشته اشیاى جدای تندیس گونه، در یک «خلاء مداوم یافته» جلوه می‌کنند. (پاکزاد، ۱۳۸۹ : ۳۴۵)

کالین رو پس از نقد اقدامات نوگرایان که حاصل را فضاهایی می‌داند که ادراک انسان را از کار می‌اندازد، به نقد اندیشه سنت گرایانی مثل پوپر پرداخته و در نهایت با گذر از تحلیل های ارائه شده کالین رو می‌توان اذعان داشت او شهر را همچون



بستری برای عرضه و نمایش می بیند. او تاکید دارد که به یاد آوردن خاطرات، یکی از انکارناپذیرترین انگیزه های انسان هاست و برای همین هم، شهر می باید نقاط و عناصری خاطره انگیز را در خود نگه داشته و بپروراند. از آنجایی که شهرسازی معاصر به دنبال چیرگی ساختاری و عرض اندام آن در سطح شهر است، به معماران و شهرسازان توصیه می کند دست از بلند پروازی برداشته و دیالکتیک حاکم بر حرفه را به رسمیت بشناسند. او باور دارد مسیری دو سویه میان «ساختار» و «رویداد» وجود دارد؛ همانند تفاوتی که میان چیدمان موزه و درونمایه آن وجود دارد هر لحظه می تواند جای خود را میان ضرورت (ساختار) و رویداد (شیئی به نمایش گذاشته شده)، میان «گره خیال» و مسیر «واقعیت»، عوض کند. (Rowe, Fred, ۱۹۹۷، ۲۰۰): با هدف ارائه تعریفی از کولاژ شهری یا چسباندن تکه های نامتجانس، این مفهوم را «حاصل ترکیب چیزهای ناهمخوان با هم» می داند که با تمهیداتی چند با یکدیگر ترکیب شده اند، از دید کالبدی، دید شناختی و روان شناختی به گونه ای با هم درآمیخته اند که تصویری وحدت یافته ف پرکشش و حس و حالی تازه را پدید آورده اند. در کولاژ تکه های بی ارزش و دور ریختنی، جایگاه یافته و در یک کلیت قابل استفاده می گردد. بنا به تعریف او کولاژ بعنوان پیوند دهنده واقعیت ها با ذهنیت ها، همزمان، گسستی است از «امر متعارف عادی» برای آفرینش یک چیز غیر قابل انتظار. بدین ترتیب کولاژ را به گونه ای تردستی میان خاطرات و هنجارها و میان گذشته و آینده می داند. (پاکزاد، ۱۳۸۹، ۳۷۳) به اعتقاد او کولاژ حتی می تواند بعنوان یک راهبرد، توهم<sup>۱۳</sup> رویایی ازلی و ابدی بودن جهان را نیرو ببخشد و همزمان می تواند خوراکی برای دنیای دگرگونی ها، حرکت ها، تکاپو و تلاش و تاریخ فراهم نماید و روشی است برای حل مسایل اجتماعی در پاسخ به نیاز به امنیت، عملکردهای آزادی خواهانه، زمان محوری در عین زمان گریزی و دست یابی به آرمان و سنت.

### تعیین مولفه های سنت و تجدد در فرآیند نوزایی «مکان» در شهر

همانگونه پیشتر بدان اشاره شد، در فرآیند نوزایی شهری تبدیل فضا به مکان و شکل گیری خاطره در ذهن مخاطبان مکان هدفی است که برنامه ریزان مداخله در بافت های شهری بایستی مد نظر قرار دهند. با توجه به مرور دیدگاه های نظریه پردازان مکان در خصوص تبیین مولفه های آن به نظر می رسد می توان با دسته بندی کلی کالبد، عملکرد و معنا به بررسی مفهوم مکان پرداخت. با توجه به وجود قالب کلی سنت و تجدد در انتخاب ابزارها، رویکرد مداخله، اهداف برنامه ریزی و مولفه های مکان، در ادامه به بررسی تاثیرات رویکردهای سنتی و نوین در فرآیند نوزایی مکان پرداخته شده است. همانگونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می گردد، در پی بازتولید معنا در شهر می توان از جنبه های مثبت سنت متجلی در کالبد و کارآمدی عملکردهای نوین استفاده نمود و به خلق خاطره ماندگار در ذهن مخاطبان مکان های شهری دست یافت.

جدول شماره ۳: تاثیرات رویکردهای سنتی و نوین در نوزایی مکان در شهر

مؤلفه های مکان	فرآیند نوزایی	تعلق زمانی	نوع تصور ذهنی ایجاد کننده در مخاطب
کالبد	بهبودی، حفاظت - مراقبت، احیاء، نگهداری، معرفی - یکپارچه سازی، تعمیر، بازپیرایی، تطبیق، بازیافت، حمایت	سنتی	تداوم - پیوستگی - تعلق - آشنایی
عملکرد	احیاء، نگهداری، بازپیرایی، تطبیق، بازیافت، حمایت	نوین	انقطاع - تضاد - بی قادگی - بی هویتی
معنا	بهبودی، حفاظت - مراقبت، احیاء، بازپیرایی، تطبیق، بازیافت، حمایت	سنتی	عدم مطابقت با نیازهای روز - ناکارآمدی - موزه
		نوین	پاسخگویی به نیازهای مخاطبان مکان
		سنتی	شکل گیری خاطره در ذهن مخاطب
		نوین	ناکارآمدی سنت - بی ارزشی سنت - قطع ریشه ها

<sup>۱۳</sup> Illusion

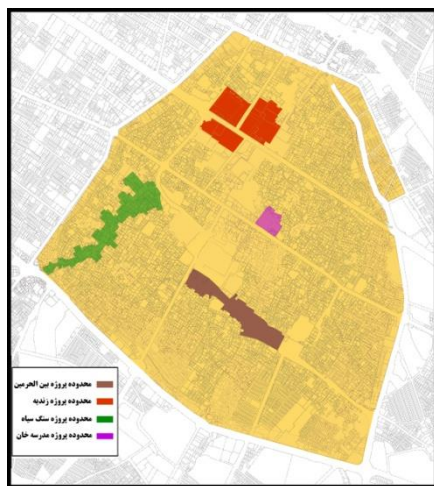
## نمونه موردی ؛ بافت تاریخی شهر شیراز

تصویر شماره ۱ : موقعیت بافت تاریخی در شهر شیراز



تصویر شماره ۲ : موقعیت پروژه های مداخله در بافت

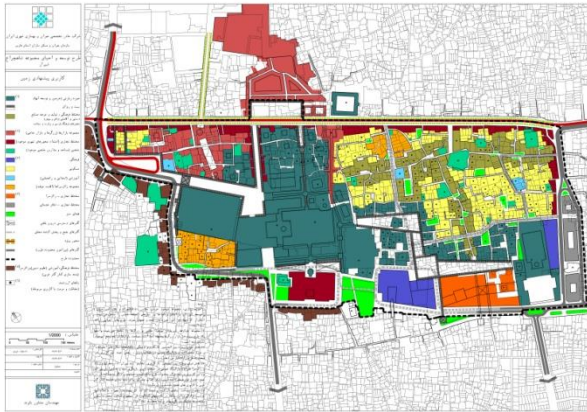
تاریخی شیراز



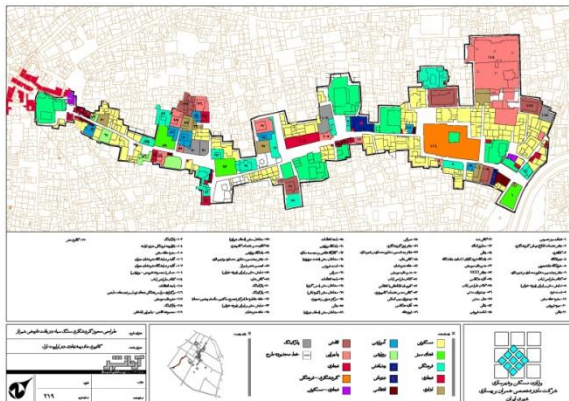
بافت قدیم شهر شیراز به مساحت تقریبی ۳۶۰ هکتار در مرکز شهر امروزی جای دارد. این محدوده که ۸/۲ درصد مساحت کل شهر را شامل می شود، هسته اولیه شکل گیری شهر شیراز است و طی دوره های مختلف دستخوش تغییرات و مداخلات زیادی بوده است. محدوده این بافت دروازه ها و حصار دور شهر در دوره زندیه می باشد که در برگزیده مهمترین مراکز مذهبی شهر و قسمت عمده ای از بناها و مجموعه های با ارزش تاریخی است. وجود ۴۰۰ اثر با ارزش میراثی، ۸ دروازه، ۱۲ مرکز محله، ۴ بازار سنتی و مساجد و آرامگاه امامزادگان و چندین محور فرهنگی می تواند گویای ارزشهای نهفته، شیوه زندگی و روابط اجتماعی، آداب و رسوم، باورها، تاریخ و هنر و به طور کلی این تراکم ارزشها، بیانگر هویت تاریخی و فرهنگی دوران تکوین و شکل گیری این محدوده می باشد. علیرغم اینکه بافت و شالوده کهن شهر شیراز همخوان با ارزش های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن است، سیاست های منسجم و جامع مداخله در این بافت به شدت مورد غفلت قرار گرفته است. اقدامات پراکنده صورت گرفته در این بافت طی دهه های اخیر به هیچ وجه در خور نقش، اهمیت و جایگاه در توسعه شهری نبوده است. تجربیاتی که فاقد مبانی نظری و فرآیند علمی در سیاستگزاری و برنامه ریزی بوده اند و حاصل تصمیم های شتابزده و یک شبه مدیران «سیاسی» و نه «شهری» پدید آمده اند. مجموعه پروژه های اجرا شده در محدوده تاریخی شهر شیراز شامل : توسعه بین الحرمین، بهسازی و نوسازی پیرامون مدرسه خان ، احیای مجموعه تاریخی - فرهنگی زندیه و طراحی شهری محور تاریخی سنگ سیاه بوده است. طرح هایی که مهری است بر پایان «اصل حکمت بعنوان جوهره اساسی تعریف شهر و معماری اسلامی-ایرانی» (مهدوی نژاد ، ۱۳۸۳) . پروژه بین الحرمین با تخریب گسترده «هرآنچه که هست» و ساختن از نو با هدف تامین نیازهای زوار حرم مطهر شاهچراغ (ع) و سید علاءالدین حسین (ع) دو محله با هویت شهر را به تمامی از بین برد و تمامی آثار تاریخی و واجد ارزش میراث را از سر راه توسعه محو کرد. در پروژه مدرسه خان ، اولویت بقا با بناهای باارزش میراثی بود و غیر آن نابود شد و هرآنچه پس از آن سر بر آورد با هویت مدرن خود بعنوان وصله های ناجور در فضا نشستند. در پروژه سوم که در محله مسکونی اجرا شد بدون در نظر گرفتن نیازهای ساکنان به دسترسی مناسب و تامین خدمات زیربنایی و روبنایی شهری ، صرفا با کفسازی و بدنه سازی مسیر پیاده سنگ سیاه به تعریف برخی بناهای باارزش مذهبی ، تاریخی و فرهنگی پهنه پرداخته شد که به دلیل عدم توجه به آسیب های اجتماعی فراگیر موجود در محله علیرغم حضور عملکردهای نوین در قالب کالبدهای سنتی موجود ، تاکنون رضایت ساکنان و گردشگران تامین نگردیده است. در ادامه با بررسی ویژگی های کلی پروژه های مذکور به تحلیل نقاط ضعف و قوت پرداخته شده است و در نهایت به بازتعریف مولفه های رویکرد سنت گرا و مدرن گرا در مداخلات در بافت های تاریخی و مساله دار شهری پرداخته شده است.

## مقایسه طرح های مداخله در بافت تاریخی و مساله دار شهر شیراز

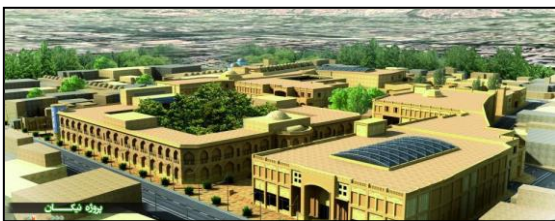
تصویر شماره ۳: طرح پیشنهادی توسعه بین الحرمین



تصویر شماره ۴: طرح پیشنهادی گذر سنگ سیاه



تصویر شماره ۵: طرح سه بعدی پروژه نیکان



مدیریت شهری از طریق توسعه گردشگری و مداخله مردم و جلب حداکثری این مشارکت با هدف کاهش هزینه های دولتی در فرآیند حفاظت از میراث تاریخی شهرها رهنمون گردیده است.

با بررسی اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۴، مشاهده می گردد که دیدگاه های مدرنیستی در «تقابل» با بافت تاریخی شهر در دهه ۷۰ تبدیل به رویکردی بینابینی در دیالکتیک سنت و مدرنیته در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ گردیده است. در این فراشد، امر مدرن از کلیت یکپارچه از نو ساخته شده (کالبد و عملکرد به همراه معنای جدید) به نو گرایی در تعریف عملکرد های جدید در «انطباق» با معنای «مکان» تغییر کرده است. در این تطور تاریخی مقیاس پروژه ها از بسیار بزرگ و دولتی به سمت پروژه های کوچک مقیاس، بعضا اجرای پروژه های محرک توسعه و مشارکتی با بخش خصوصی تغییر یافته

با مرور بیانیه ها و منشورهای بین المللی «مرمت و حفاظت شهری» همراه با دمیدن «روح زمانه» به مفاهیم مرتبط با موضوع، نحوه نگرش به خلق اثر جدید، از مستندات منشور ایکوموس در شهر بورا در باب مرمت و حفاظت مکان های واجد ارزش تاریخی در سال ۱۹۹۹ که بندد ۲۲ آن، افزودن اثر جدید به «مکان» را در صورتی که ارزش آن را تحت الشعاع قرار ندهد جایز دانست و همچنین این اصل را ارائه کرد که «اثر جدید باید قابل تشخیص باشد» اینک جدید است و به بافت موجود اضافه شده [«لطفی، ۱۳۹۰: ۲۰۴»] به دیدگاه ارائه شده در بند ۱ اظهارنامه بیت المقدس رهنمون می شود که در کارگاه بین المللی شیوه های نوین «مرمت و حفاظت شهری» چنین اظهار داشته است که «مفهوم اصالت و یکی بودن<sup>۱۴</sup> می باید در هرگونه از ساخت و سازهای جدید رعایت شود» (همان: ۲۲۵). همچنین با مرور سیر تحول نظریات مداخله در بافت تاریخی چنین استنباط می گردد که دو دیدگاه اساسی «مشارکت دادن مردم محلی» در فرآیند طراحی و اجرای پروژه های مداخله در بافت های تاریخی و «توسعه گردشگری»، از جمله مسایلی است که با گذشت زمان جزء لاینفک اهداف و ابزار مداخله گردیده اند.

با بررسی پروژه های مداخله در بافت تاریخی شهر شیراز به ترتیب توالی زمانی وقوع هریک، توجه به این دو رویکرد - حتی به قدر ناچیز- مشاهده می گردد. هرچند این چرخش در تصمیم گیری حاصل کمبود اعتبارات دولتی در رویکرد قدیمی تملک، تخریب و بازسازی بوده است و نه حاصل دیدگاهی برآمده از تجزیه و تحلیل دانش به روز جهانی در زمینه مداخله در بافت های با ارزش شهری. اما به هر روی نتیجه به سمت کسب درآمد پایدار برای مدیریت شهری از طریق توسعه گردشگری و مداخله مردم و جلب حداکثری این مشارکت با هدف کاهش هزینه های دولتی در فرآیند حفاظت از میراث تاریخی شهرها رهنمون گردیده است.

<sup>۱۴</sup> Integrity

است. همچنین با بررسی نوع مداخله در بافت می توان از مداخله صرفا کالبدی در پروژه بین الحرمین به مداخلات کالبدی توامان با محتوایی در سه پروژه دیگر رسید که حد اعلاى آن در طراحی مجموعه زندیه مشاهده می گردد.

جدول شماره ۴ : مقایسه پروژه های مداخله در بافت تاریخی شیراز

عنوان پروژه	هدف	متولی طرح	زمان شروع	درصد پیشرفت تاکنون	ابزار مداخله	نوع مداخله	نقاط ضعف	نقاط قوت
طرح توسعه حرمین شاهچراغ (ع) و سید علاءالدین حسین (ع) (موسوم به توسعه بین الحرمین)	بازگشایی معبر مابین دو حرم مطهر نوسازی بافت تاریخی و مساله دار پیرامون حرم شاهچراغ توسعه گردشگری مذهبی ایجاد منابع درآمدی پایدار برای شهرداری شیراز	شهرداری شیراز	۱۳۷۷-۷۸	۸۵ درصد	* تملک * تخریب * بازسازی	کالبدی	* هزینه بالای تملک * مقاومت شدید ساکنان و نارضایتی از قیمت پرداخت شده ابنیه * زمان زیاد اجرای پروژه به دلیل وسعت زیاد * ایجاد کاربری های تجاری متعدد به جای تراکم ( به دلیل محدودیت ارتفاعی ) * بعنوان مولد ارزش افزوده * تخریب دو محله قدیمی شهر * تخریب بناهای بارز و میراثی	* نوسازی حدود ۸ هکتار از بافت فرسوده * شناخت محدودیت ها و امکانات پروژه های نوسازی و بهسازی بعنوان تجربه ای ارزشمند * تسهیل دسترسی زائران حرمین مطهر
طرح بهسازی و نوسازی پیرامون مدرسه خان	نوسازی و بهسازی بافت تاریخی شاخص نمودن بنای مدرسه خان	شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران به میزان ۲۰ درصد و سرمایه گذار خصوصی (شرکت عمران و توسعه) به میزان ۸۰ درصد	۱۳۷۷-۷۸	۴۰ درصد	* تملک * تخریب * بازسازی * مرمت ابنیه * بارز و تاریخی	کالبدی محتوایی	* مدت زمان بالای اجرای پروژه به دلیل هزینه بالای تملک * عدم دیدگاه اجتماع محور	* حفظ بناهای بارز و تاریخی * عدم تجاوز از ارتفاع مدرسه خان * نوسازی سه و نیم هکتار از محدوده فرسوده شهر * شاخص نمودن بنای مدرسه خان * ایجاد فضای شهری سرزنده و پویا در پیرامون مدرسه
طراحی شهری محور تاریخی سنگ سیاه	* مرمت آثار تاریخی و حفظ هویت تاریخی محدوده * توسعه گردشگری * تسهیل دسترسی ساکنان بافت	شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران	۱۳۸۳-۸۴	۵۰ درصد	* مرمت آثار * بارز و تاریخی * حفظ هویت * تاریخی فرهنگی * محله * نگهداری * بهسازی * عملکردی	کالبدی - محتوایی	* اجرای بخش کالبدی طرح * تبدیل گذر به معبر عبوری * عدم دسترسی مناسب ساکنان به معابر فرعی گذر	* مرمت خانه های میراثی پیرامون گذر(خانه های خاتم، سعادت ، ضیاییان ، مسجد مشیر ، بازارچه ارامنه ، آرامگاه سیبویه ، آرامگاه بی بی دختران) * احیای عملکردی بافت * لحاظ نمودن دیدگاه های ساکنان در فرآیند طراحی
طرح بهسازی و نوسازی مجموعه تاریخ زندیه	نوسازی و بهسازی بافت تاریخی با هدف شاخص نمودن بناهای بارز دوره زندیه و قاجاریه و احیاء میدان توپخانه و تعریف کاربری تجاری، خدماتی ، فرهنگی ، توریستی	شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران ، شهرداری شیراز و اداره میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری فارس	۱۳۹۲	۱۰ درصد	* بهسازی * نوسازی * تخریب * تملک * بازسازی * مرمت ابنیه * بارز و تاریخی * نگهداری و حفاظت	کالبدی - محتوایی	* عدم مشارکت مردمی در فرآیند طراحی و اجرا	* بهره مندی از تیم های تخصصی و آکادمیک در فرآیند طراحی و چشم انداز سازی * اولویت اهداف طرح به احیای هویت فرهنگی بافت * مشارکت نهادهای دولتی و خصوصی در فرآیند اجرای طرح * رعایت کلیه حرایم میراثی * احترام به اصل پیوستگی فضایی در طراحی

## نتیجه گیری

در تاریخ معاصر مرمت و حفاظت شهری «منشور ونیز» سندی مهم به شمار می رود که در سال ۱۹۶۴ تنظیم شد و طبق آن، وظیفه ملت ها در حفظ «میراث فرهنگی» و رساندن آن به نسل های آتی تعیین گردید. اما در سال ۲۰۰۶، «اینبتائو»<sup>۱۵</sup> یا «شبکه بین المللی معماری و شهرسازی سنتی» پیشنهادی را مبنی بر «بازنگری منشور ونیز» مطرح ساخت که در آن برای نخستین بار به تبیین سنت و مدرنیته در مداخله در بافت های تاریخی و فرهنگی پرداخته شد. طبق نظر اینبتائو، منشور ونیز تاثیر زیادی بر معماری و شهرسازی «سنتی» در سراسر جهان داشته است. اما پرسش اینجا بود که «آیا این منظور می تواند در قرن بیست و یکم نیز مورد استفاده ای داشته باشد؟» پاسخ اینبتائو به این پرسش منفی است و دیدگاه منشور ونیز را متأثر از شرایط حاکم بر دوران صدورش می داند که تحت تاثیر دوران پس از جنگ جهانی دوم بوده است. در واقع طی دهه ۱۹۵۰ میلادی، «غرب» برای اشاعه «مدرنیسم» و ایجاد تباینی آشکار با «شوروی سابق» که واقع گرایی اجتماعی و معمار یسنتی را ارج می نهادند، اقدام به تاسیس نهادهای فرهنگی در تمام دنیا نمود. هدف از این اقدام بازنمایی مدرنیسم به عنوان شیوه ای مردم سالارانه و آزاد بود و به این ترتیب، مدرنیسم در مقابل هنر سنتی که «واپس گرا» تلقی می شد، قرار گرفت. در مقابل اینبتائو به دنبال گسترش نوعی نگاه تکثرگرایانه ای است که در آن، تداوم فرهنگی، سنت ها و خاطره های جمعی، بر نظر منشور ونیز مبنی بر مواجهه با بناها به عنوان «اسناد تاریخی»، تفوق داشته باشد. از این رو در پی تدوین منشوری جدید با موضوع «معماری و شهرسازی سنتی در بافت های تاریخی» بوده است. اصول پیشنهادی این منشور بدین قرار است:

جلوگیری از مداخله های مدرنیستی در ساختارهای تاریخی و سنتی، گذار از حفاظت منفعل ( بناهای تاریخی به مثابه اسناد خدشه ناپذیر ) به مرمت و حفاظت فعال، تاکید بر برداشت های بومی و محلی از میراث و اهمیت به طرح های درون زا، تکثرگرایی و اهمیت دادن به تداوم فرهنگی، سنت ها و خاطره های جمعی و در نهایت بازآفرینی و به روز رسانی معماری و شهرسازی «سنتی». (لطفی، ۱۳۹۰: ۲۳۵) از این رو میتوان خلق اثر مدرن را در فرآیند مرمت و حفاظت شهری یا به تعبیر ادبیات نوین بازآفرینی، نوزایی شهری، محدود به عملکرد های نوین در انطباق با کالبد سنتی دانست. نوگرایی به معنای نفی مطلق تاریخی و هویت تاریخی و فرهنگ و سنن و آداب جامعه نخواهد بود، بلکه نوگرایی عبارت است از یافتن پاسخ مناسب زمان و مکان به ارزش های فرهنگی و بهره گیری از آراء و تجارب پیشینیان و تکامل بخشیدن آنها. «نوگرایی» به معنای توجه به پویایی و تصفیه و تکامل مداوم فرهنگ جامعه می باشد. نوگرایی به دستاوردهای علمی و فنی دیگران به عنوان وسیله و ابزاری برای تحصیل آرمان ها و اهداف انسانی منبعث از باورها و فرهنگ ملی م ی نگرد، و نه به عنوان عامل تشخص و برتری آرزوی تحصیل آن به عنوان هویتی که بدون آن جامعه به حقارت مبتلا باشد، هویتی که رهپویی در راه وصول به آن نتیجه ای جز تمایل به تشبه به صاحب فن اصلی و ظهور جلوه ای کاذب و بدلی که جامعه نیز به خوبی از آن آگاه بوده و آن را از خود نداند، نخواهد شد. علاوه بر آن توجه به سنت به معنای تکرار و تقلید هر آنچه که از گذشته است نبوده و بر اصول و مبانی نظری و فلسفی که خود نیز در حال تکاملند، متمرکز خواهد بود. به عبارت دیگر اصولا سنت به معنای ارجاع به گذشته و مخالفت با تفکرات و آراء نو نمی باشد. بلکه سنت دقیقا به معنای روش زیست، نگرش به جهان هستی و مبنای فعالیت های جامعه معتقد به آن می باشد.

## فهرست منابع

۱. آشوری، داریوش ( ۱۳۷۴)، فرهنگ علوم اجتماعی، چاپ دوم، انتشارات مروارید، تهران.
۲. آلتمن، ایروین (۱۳۸۲)، محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳. احمدی، بابک (۱۳۷۳)، مدرنیته و نظریه انتقادی، چاپ اول، نشر مرکز، تهران.
۴. احمدی، بابک (۱۳۸۰)، حقیقت و زیبایی درس های فلسفه هنر، پنجم، نشر مرکز تهران.

۵. احمدی، بابک و دیگران (۱۳۹۰)، **هرمنوتیک مدرن**، چاپ هشتم، نشر مرکز، تهران.
۶. احمدی، بابک (۱۳۹۲)، **معمای مدرنیته**، چاپ هشتم، نشر مرکز، تهران.
۷. برمن، مارشال (۱۳۹۲)، **تجربه مدرنیته**، ترجمه مراد فرهادپور، چاپ نهم، انتشارات طرح نو، تهران.
۸. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۹)، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)؛ از فضا تا مکان، انتشارات آرمانشهر، تهران.
۹. جابری مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۴)، **شهر و مدرنیته**، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۰. حبیبی، سید محسن (۱۳۹۱)، **قصه شهر؛ تهران**، نماد شهر نوپرداز ایرانی ۱۳۹۹-۱۳۲۲، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۱. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۴)، **رساله‌ای در باب سنت و تجدد**، انتشارات ساقی، تهران.
۱۲. داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۱)، **ما و راه دشوار تجدد؛ به ضمیمه رساله در باب سنت و تجدد**، انتشارات رستا، تهران.
۱۳. شایگان، داریوش (۱۳۷۲)، **در جستجوی فضاهای گمشده**، مجله نامه فرهنگ، سال سوم، شماره ۹، تهران.
۱۴. لطفی، سهیل (۱۳۹۰)، **تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی**، انتشارات آذرخش، تهران.
۱۵. مهدوی نژاد، محمد جواد (۱۳۸۳)، **حکمت معماری اسلامی؛ جستجو در ژرف ساخت های معنوی معماری اسلامی ایران**، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، دانشگاه تهران، تهران.
۱۶. نصر، سیدحسین (۱۳۷۵)، **اسلام سنتی در دنیای متجدد**، ترجمه محمد صالحی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران.

#### فهرست منابع لاتین

۱. Carmona T Mathew; Steve Tiesdell (۲۰۰۷), *Urban Design Reader : The Dimension of Urban Design*, Architecture Press, London.
۲. Relph, Edward (۱۹۷۶), *Placed and Placelessness*, Pion Limited, London.
۳. Canter, David, (۱۹۷۷), *The Philosophy of Place*, The Architectural Press, London.
۴. Trancik, Rojer (۱۹۸۶), *Finding Lost Spaces*, Theories of Urban Design, Van Nostrand Reinhold Company, New York.
۵. Saint, A. (۲۰۰۱) *Lessons from London*, in: Echenique, M. and Saint, A. (eds.), *Cities for the New Millennium*, Spon Press, London.
۶. Markus, T. And Cameron, D. (۲۰۰۲), *The Words between the spaces : buildings and languages*, Routledge, London and New York.
۷. Krakow Charter, ۲۰۰۰
۸. OWHC (۲۰۰۱), *Puebla Declaration Regarding Prevention and Protection Measures for World Heritage Cities in Case of Disaster*, Puebla.
۹. UNESCO (۲۰۰۱), *UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity*, UNESCO, Paris.
۱۰. McCarthy, J. (۲۰۰۷), *Partnership, Collaborative planning and Urban Regeneration*, Ashgate Publishing, Aldershot.
۱۱. Urban Task Force (۲۰۰۵), *Towards a Strong Urban Renaissance*, UTF, London.
۱۲. Stierlin, Henri (۱۹۷۶), *Isfahan, Image du paradis* Bibliotheque des arts, Paris.
۱۳. Benjamin, W., *Baudelaire (۱۹۷۴), Charles, un poet lyrique a l'apogee du capitalisme payot*, Paris.
۱۴. Rowe, Calin; Fred, Koetter (۱۹۹۷), *Collage City*, The MIT Press, Cambridge, Massachusett and London.

#### فهرست منابع اینترنتی

۱. Hull city Plan, <http://www.hullcc.gov.uk>
۲. REDSPT (Regeneration and economic development Spatial Policy Team) Regeneration Jargon Buster, <http://www.wakefield.gov.uk>
۳. Urban Renaissance Institute, <http://www.urban-renaissance.org/urbanren/index.cfm>